

عربستان سعودی همواره در زمان انتخاب پادشاه جدید با چالش‌ها و مشکلات فراوانی روبه رو شده است. در واقع به علت ششمار بسیار بالای شاهزادگان همیشه جنگ قدرت در خاندان آل سعود مطرح بوده است. در برخی برهه‌ها این جنگ آشکار شده است و در برخی زمان‌ها خاندان پادشاهی آن را مدیریت و از رسانه‌های شدن آن جلوگیری کرده است. اکنون بار دیگر این مشکل گریبانگیر آل سعود شده است. ملک عبدالله پادشاه ۹۱ساله این کشور در بستر بیماری و مرگ افتاده و رسانه‌های مختلف از مرگ بالینی وی خبر داده‌اند. این خبر خود کافی است تا گروه‌های مختلف در خاندان سعودی دسته‌بندی‌های قدرت خود را تشکیل دهند و به فکر به قدرت رساندن جناح خود باشند، از این رو جنگی پنهان در حال شکل گرفتن است. در این مطلب ابتدا ضمن مروری بر شکل گیری عربستان سعودی مکانیسم‌های انتخاب پادشاه بررسی و سپس سناریوهای پیش روی این کشور ترسیم می‌شود.

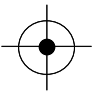
**مروری بر شکل گیری عربستان سعودی**
حکومت عربستان در سال ۱۷۵۰ (میلادی) به وسیله محمد بن سعود پایه‌ریزی شد. پس از وی عبدالعزیز بن سعود با پشتیبانی شیخ محمد بن عبدالوهاب، شهر ریاض را تصرف کرد. در زمان عبدالعزیز، عسیر، تهامه، حجاز، عمان، احساء، قطیف، زیاره، بحرین، وادی الدّوآسر، خرّج، محمّل، وشم، سُدیْر، قصیم، شمر، مِجمعه، منیع، بيشه، رَیْته و تَراهه تحت تصرف وهابیان درآمد. بن‌سعود بن‌عبدالعزیز کشورگشایی‌های وهابیان را در شبه جزیره تا خلیج فارس ادامه داد. در زمان ابراهیم بن سعود، عربستان از مصر شکست خورد و طوسون پاشا، فرمانده سپاه مصر، مکه را فتح کرد اما نتوانست در مدینه پیشروی کند و به قاهره بازگشت. پس از طوسون پاشا، برادرش، ابراهیم پاشا، نجد را گرفت و خود را به درعنه رسانده پایتخت آل سعود را به محاصره درآورد و مقاومت وهابیان را بار دیگر در هم شکست. دوران فرمانروایی عبدالله بن سعود اوج نفوذ فرهنگ اروپا در عربستان بود تا اینکه عبدالله بن سعود، شکست خورده، به دستور ابراهیم پاشا، محکوم به اعدام شد.

نخستین تلاش در زمینه برپایی دوباره فرمانروایی آل‌سعود توسط مشاری بن سعود بود. پس از وی ترکی بن عبدالله، ریاض را اشغال کرد. فیصل بن ترکی ایجاد فرمانروایی دوم آل سعود

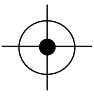
**✽ براساس منشور و وصیت ملک عبدالعزیز موسس عربستان سعودی، قدرت از برادر به برادر می‌رسد و تا زمانی که فرزندان وی زنده هستند نسل سوم شاهزاده‌ها نمی‌توانند به قدرت برسند.**

را اعلام نمود. خالد بن سعود به فرمانروایی نجد منصوب شد اما عرب‌ها بر وی شوریده، او را ریاض بیرون کردند. در دوران فرمانروایی عبدالله بن ثنیان، مصر ارتش خود را از عربستان اخراج‌خواند. عبدالله بن فیصل با همدستی قبیله عجمان و سعود، به بخش احساء حمله کرد. سعود بن فیصل، قطیف را دوباره به سرزمین‌های سعودی افزود. عبدالرحمن بن فیصل به درگیری با فرمانروایی آل رشید پرداخت و سرانجام از آنها شکست خورد و فرمانروایی دوم سعودی نیز از بین رفت. فرمانروایی سوم سعودی را عبدالعزیز بن عبدالرحمن بنیان نهاد. پس از مرگ عبدالعزیز، چهار پسر دیگرش با نام‌های ملک سعود و ملک فیصل و ملک خالد و ملک فهد در چند دوره به پادشاهی رسیدند. با مرگ فهد، برادرش عبدالله بن عبدالعزیز به پادشاهی عربستان برگزیده شد. ولیعهد عبدالله برادرش سلمان بن عبدالعزیز می‌باشد. خاندان آل‌سعود که قدرت را از سال ۱۹۳۲ (میلادی) کشور عربستان در دست دارد، نام این کشور را منصوب به نام خاندان خود کرده‌است. با مرگ خالد، برادرش فهد، به طور رسمی پادشاه عربستان شد و لقب «خادم الحرمین الشریفین» را برای خود برگزید. وی برای گسترش آیین وهابیت کوشش بسیار نمود و روابط و مناسبات سیاسی با غرب ایجاد کرد.

این گروه علاوه بر در دست‌داشتن تمامی امور حساس کشور،



## دریچه‌ای به جهان khareji@kayhan.ir



## سناریوهای پیش روی عربستان پس از ملک عبدالله

# آل سعود و بحران جانشینی

■ محمدرضا کلهر



**عربستان سعودی با مرگ عبدالله در کوتاه مدت بعید است با چالش‌های عمیقی روبه رو شود، چون پادشاه آینده یعنی سلمان از قبل انتخاب شده و مهم‌تر اینکه سلمان از فرزندان عبدالعزیز است.**

یا کناره‌گیری ملک عبدالله این دو هر کدام با یک پله صعود به قدرت می‌رسند به این صورت که سلمان پادشاه و مقرن ولیعهد می‌شود. اما در این میان مشکلی که وجود دارد و احتمال می‌رود روند انتقال قدرت در عربستان را مختل کند این است که این جناح معروف سدیری است از بیماری آلزایمر رنج می‌برد و بنا به گفته برخی رسانه‌های پس از چند دقیقه صحبت کردن مطالب گفته شده را فراموش می‌کند و دوباره همان صحبت‌های مطرح شده را تکرار می‌کند. این یعنی وی صلاحیت لازم برای اداره کشور را ندارد. از سوی دیگر مقرن بن عبدالعزیز فرزند کنیزی یعنی است که این امر در میان عرب‌ها بسیار مهم است. آنها معتقدند فرزند یک کنیزی نتواند جایگاه مناسبی داشته باشد. حتی مقرن در زمانی که به عنوان جانشین ولیعهد انتخاب شد با مخالفت بسیاری از شاهزادگان مواجه گردید.

بنابراین تحقق این سناریو یعنی پادشاهی سلمان و ولیعهدی مقرن محتمل اما با مشکلات زیادی مواجه است. چرا که در این صورت با توجه به بیماری سلمان عمر پادشاهی وی چندان نمی‌تواند طولانی باشد و مسئله جانشینی بار دیگر در چند سال آینده مطرح خواهد شد. از سوی دیگر طبق اساسنامه نظام حکومتی عربستان، پادشاه اختیار انتخاب و عزل ولیعهد را دارد و به همین خاطر شاهزاده سلمان که اکنون ولیعهد است در صورت پادشاه شدن می‌تواند طبق این اساسنامه، شاهزاده مقرن را عزل و کسی را که مناسب است انتخاب کند. سناریوی محتمل دیگر در این مورد پادشاهی سلمان و برکناری مقرن است. در این صورت این احتمال وجود دارد که سلمان، محمد بن نایف را به عنوان ولیعهد خود انتخاب کند. شاهزاده «محمد بن نایف بن عبدالعزیز آل‌سعود» یکی از پسران شاهزاده «نایف بن عبدالعزیز آل‌سعود، ولیعهد پیشین این کشور از همسرش شاهزاده «جوهره بنت عبدالعزیز بن مساعد آل‌سعود» است. وی چندین سال در بخش خصوصی فعالیت می‌کرد تا اینکه «ملک فهد»، پادشاه پیشین در مه سال ۱۹۹۹ وی را به عنوان معاون وزیر کشور در امور امنیتی و با تبه عالی منصوب کرد و در سپتامبر ۲۰۰۸ بنا به دستور «ملک عبدالله» برای چهار سال دیگر در آن ابقا شد. سرانجام اینکه نوامبر سال گذشته «ملک عبدالله» با صدور حکمی شاهزاده «محمد بن نایف» را به عنوان

# آل سعود



ثروت‌های نجومی حاصل از فروش نفت و گاز و تمامی امور کشور را بدون حضور هر گونه نهاد انتخابی و با نظارت مردمی در اختیار خود گرفته‌اند.

**مکانیسم‌های انتخاب پادشاه و ولیعهد**

عربستان سعودی با وجود آنکه مانند سایر کشورهای شورای همکاری خلیج فارس دارای نظام پادشاهی است اما روش منحصر به فردی در انتخاب ولیعهد و پادشاه دارد. در این کشور علاوه بر روابط قدرت در بین پادشاهی دو سازو کار «شورای بیعت» و «وصیت ملک عبدالعزیز» عوامل تعیین پادشاه و ولیعهد جدید هستند.

بر اساس منشور و وصیت ملک عبدالعزیز موسس عربستان سعودی قدرت از برادر به برادر می‌رسد و تا زمانی که فرزندان وی زنده هستند قدرت به نسل سوم شاهزاده‌ها نمی‌رسد. این وصیت باعث شده که عربستان از آغاز هزاره سوم با مشکل جانشینی روبه رو باشد. چرا که از زمان مرگ ملک عبدالعزیز بیش از شش دهه می‌گذرد و فرزندان وی همگی ۸۰ و بیمار هستند به صورتی که جوانترین فرزند وی نزدیک ۱۰۰ سال سن دارد. از سوی دیگر این وصیت عربستان را در زمینه انتقال قدرت به نمونه‌ای خاص تبدیل کرده چرا که به صورت مرسوم در جهان عرب قدرت از پدر به فرزند منتقل می‌شود حال آنکه در عربستان بر عکس است و قدرت از برادر به برادر منتقل می‌شود.

از زمان مرگ عبدالعزیز در سال ۱۹۵۳ این روش در عربستان حاکم بوده است. به دنبال مرگ وی پسر بزرگ او یعنی سعود بن عبدالعزیز به قدرت رسید و برادر دیگر وی یعنی فیصل ولیعهد شد. به دنبال اختلافاتی که در خاندان آل‌سعود به وجود آمد بعد از یک دوره کشمکش شورای سلطنت سعود بن عبدالعزیز از قدرت برکنار و فیصل را به عنوان پادشاه جدید جایگزین وی کرد. سرنوشت ملک فیصل از ملک سعود بسیار بدتر شد چرا که او توسط برادرزاده‌اش ترور و خالد بن عبدالعزیز جانشین وی شد. خالد نیز فهد از طایفه سدیری‌ها را به ولیعهدی منصوب کرد. در سال ۱۹۸۲ با مرگ خالد، فهد به عنوان پادشاه جدید انتخاب شد و وی عبدالله پادشاه کنونی را به عنوان ولیعهد انتخاب کرد. از آنجایی که ملک فهد در دهه ۹۰ میلادی سکنه مغزی کرد عبدالله به عنوان ولیعهد تمامی امور را بر عهده گرفت و عملاً قدرت برتر بود تا اینکه در سال ۲۰۰۵ با مرگ ملک فهد وی به



**✽شاهزاده‌های سعودی ثروت‌های نجومی حاصل از فروش نفت را بدون حضور هر گونه نهاد نظارتی در اختیار دارند.**

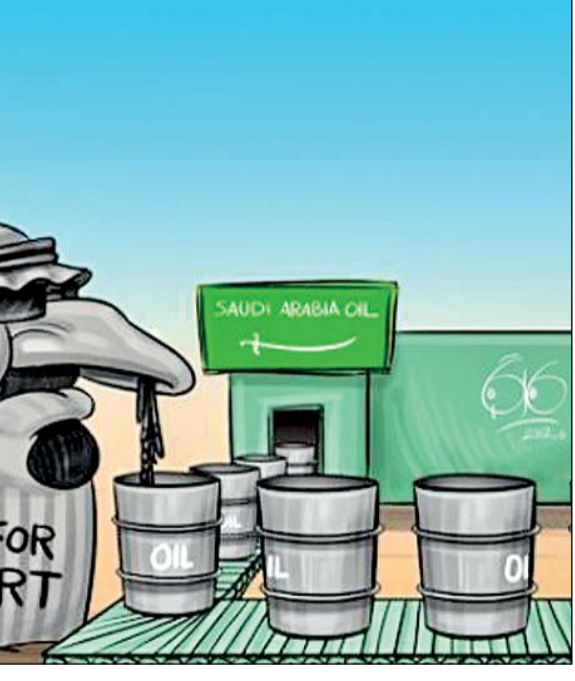
# پیامدهای جنگ نفت ریاض – واشنگتن

این روند کاهش را سرعت بخشیده و تکانه شدیدی به بازار وارد کرد، تصمیمات سیاسی – نفتی عربستان بود. شواهد نشان می‌دهد که این اقدام عربستان، کاملاً آگاهانه و مبتنی بر یک تصمیم سیاسی و غیراقتصادی بوده است.

رویکرد عربستان برای ادامه تولید در سطح پیشین و تحمل کاهش قیمت‌ها، ینک توجیه ظاهری دارد و آن اینکه؛ کاهش قیمت‌ها، باعث می‌گردد تا تولید نفت از منابع نامتعارف شیل (توسط کشورهایی نظیر آمریکا و کانادا) کاهش و تولیدکنندگان نفت شیل از بازار انرژی به حاشیه بروند. چرا که در سه سال گذشته تولید نفت شیل آمریکای شمالی از دو میلیون بشکه به حدود ۶ میلیون بشکه در روز رسیده است، به گونه‌ای که گفته می‌شود نفت و گاز شیل شکل بازی را در عرصه انرژی دنیا تغییر داده و این ادعا وجود دارد که آمریکا به خاطر تکیه بر منابع فراوان شیل و نیز در اختیار داشتن فناوری استخراج این نوع نفت و گاز، نه تنها چشم‌انداز اقتصادی مثبتی را برای خود رقم زده است، بلکه می‌رود تا مناسبات انرژی دنیا را تغییر دهد و تاثیرات امنیتی، سیاسی و اقتصادی مهمی را بر جای گذارد. لذا پیش‌بینی می‌شود که با فراگیرتر شدن بهره‌گیری از این فناوری، ظرفیت تولید نفت در آمریکا از ظرفیت نفتی جهان به بیشتر شود. البته لازم به ذکر است که؛ در اکثر تحلیل‌های صورت گرفته پیرامون استخراج نفت شیل، هزینه تکنولوژی‌های استخراجی جدید بین ۶۰۰ تا ۸۰۰ دلار به ازای هر بشکه تعیین شده است. بنابراین، استخراج نفت و گاز شیل در آینده در صورتی توجیه اقتصادی خواهد داشت که قیمت‌های نفت همچنان بالای ۱۰۰ دلار به ازای هر بشکه باقی بماند. ایالات متحده و عربستان سعودی زمانی کم و بیش نوسانات قیمت جهانی نفت را تعیین می‌کردند. ایالات متحده خواهان قیمت‌های نه چندان بالا و عربستان سعودی خواهان قیمت‌های کم‌تر و پایین بود. اما این بار به دلیل مواضع مشترک در برابر جمهوری چین، لزوم شکستن مقاومت سیاست خارجی نظام در پرونده هسته‌ای، مواضع دو کشور درباره کاهش قیمت نفت به هم نزدیک شده است.

**اهداف راهبردی**

لذا با استدلال فوق عربستان افزایش تولید و کاهش قیمت نفت را توجیه کرده و این موضع را در بلندمدت به نفع اوپک ارزیابی می‌کند. «لعنیمی» وزیر نفت عربستان نیز منکر وجود هرگونه توطئه‌ای از سوی این کشور در کاستن از قیمت نفت شد و ادعا کرد که تصمیم عربستان برای کاهش قیمت نفت بر اساس «اقتصاد» بوده است و به دنبال فلج کردن اقتصاد روسیه به ضرر به ایران هم نیست. اما برخلاف ادعای مقامات عربستانی باید گفت که اتخاذ این سیاست نفتی کاملاً در هماهنگی با ایالات متحده آمریکا صورت گرفته است؛ دو کشور علیرغم سیاست‌های متفاوت نفتی، اما برای حصول نتایج مطلوب خود در قبال ایران و روسیه، حاضرند تا حدی از منافع نفتی خود البته در کوتاه مدت چشم



بپوشند، اما این اهداف و نتایج مطلوب را می‌توان در گزاره‌های ذیل مورد اشاره قرار داد:

۱- سیاست‌های نفتی ایران و عربستان در عمده موارد در تضاد با هم قرار داشته‌اند و متأسفانه دیپلماسی نفتی دولت این‌بار نتوانست با ایجاد اجماع در برابر عربستان، قاطعانه از منافع ملی جمهوری اسلامی دفاع نماید. آن هم در شرایطی که کشور در نقطه اوج مذاکرات هسته‌ای قرار دارد و توانمندی اقتصاد داخلی و افزایش ظرفیت‌های درونی کشور به عنوان عاملی اساسی در استواری تیم مذاکره‌کننده با ۵+۱ نقش ایفا می‌کند. از طرف دیگر جهت تنظیم

## ✽ کاهش سریع و بی‌سابقه قیمت نفت دوچه زمانی کنونی، در واقع مکمل سیاست تحریم ایران و روسیه توسط آمریکااست.

یک بودجه متعادل و بدون کسری، قیمت نفت در بازار نباید از عدد معینی پایین‌تر رود و طبق محاسبات رقم مطلوب ایران عددی در بین ۱۰۰ تا ۱۴۰ دلار است. بر همین مبنا عربستان سعودی در کنار رژیم صهیونیستی به عنوان مخالفان اساسی در مذاکرات هسته‌ای، نهایت تلاش خود را برای شکست رژیم صهیونیستی نقش‌منق‌های جمهوری اسلامی ایفا می‌کنند. رژیم صهیونیستی با استفاده از لابی‌های سیاسی در پایتخت‌های اروپایی و آمریکایی



## ✽چالش اساسی برای عربستان زمانی ایجاد می‌شود که دیگر کسی از فرزندان عبدالعزیز نماند و از آنجا که در این شرایط قدرت باید به نسل سوم شاهزادگان منتقل شود جنگ قدرت بین آنها شکل می‌گیرد.

وزیر جدید کشور عربستان منصوب کرد. شاهزاده محمد بن نایف تانکون چهار بار هدف سوء قصد و ترور قرار گرفته، اما هر چهار بار جان سالم به در برده است. آخرین آن در سال ۲۰۱۰ میلادی روی داد. این گزینه با توجه به اینکه محمد بن نایف از جناح قدرتمند سدیری‌ها است دور از ذهن نخواهد بود.

یکی دیگر از سناریوهای محتمل این است که سلمان به عنوان پادشاه آینده ضمن برکناری مقرن از ولیعهدی، متعب بن عبدالله را به عنوان ولیعهد انتخاب کند. این گزینه از آنجا مطرح است که پادشاهان سعودی برای جلوگیری از اختلاف در خاندان حکومتی به نوعی پست ولیعهدی و پادشاهی را بین دو جناح سدیری‌ها و غیرسدیری‌ها تقسیم کرده‌اند. در شرایط پادشاهی سلمان که از سدیری‌ها است احتمال ولیعهدی متعب که از غیرسدیری‌ها است زیاد است. امیر متعب ۵۸ساله فرزند ملک عبدالله پادشاه کنونی عربستان است. وی در حال حاضر رئیس گارد ملی(حرس الوطني) است. گارد ملی در کنار ارتش یکی از نیروهای مسلح عربستان است. متعب که یک نظامی تمام عیار و دارای درجه سرلشکری است، در میان نظامیان سعودی محبوبیت زیادی دارد. در مورد درون پس از ملک عبدالله چند سناریوی دیگر نیز وجود دارد ولی احتمال وقوع آنها اندک است و به همین دلیل از بررسی آن خودداری می‌کنیم.

**نتیجه**

پیش‌بینی آینده بسیار دشوار است. به ویژه اگر در مورد سیستم حکومتی عربستان سعودی باشد که دارای پیچیدگی خاصی است. بنابراین طرح این سناریوها صرفاً براساس بررسی برخی از رفتارهای شاهزادگان سعودی و همچنین تاریخ گذشته این خاندان ممکن شده است. براساس آنچه که بررسی شد می‌توان نتیجه گرفت که عربستان سعودی با مرگ عبدالله در کوتاه مدت بعید است با چالش‌های عمیقی روبه رو شود. چون پادشاه آینده این کشور یعنی عبدالعزیز است و مهم‌تر از این سلمان از فرزندان عبدالعزیز است و وصیت وی با پادشاهی وی محقق می‌شود. اما چالشی اساسی برای عربستان زمانی است که دیگر کسی از فرزندان عبدالعزیز باقی نمانده و قدرت اداره امور را نداشته باشند. در این شرایط قدرت به نسل سوم شاهزادگان منتقل خواهد شد و جنگ قدرت بین آنها شکل می‌گیرد. باید دید که سلمان تا چه زمان قادر خواهد بود به فعالیت خود ادامه دهد و مهم‌تر از آن سرنوشت ملک عبدالله به کدام سمت می‌رود؟ البته در کنار عوامل ذکر شده نباید از نقش آمریکا غافل بود.

براساس شواهد موجود آمریکا بیش از همه از محمد بن نایف حمایت می‌کند و در چند سال اخیر بین اوپاما و محمد بن نایف دیدارهایی صورت گرفته است. گرایش آمریکا به حمایت بن نایف و تأیید کاخ سفید برای تبدیل وی او به پادشاه آینده عربستان سعودی در استقبال گسترده از او در سفر ماه فوریه گذشته به واشنگتن آشکار شد. در اقدامی کم سابقه «باراک اوباما» رئیس جمهوری، «جان کری» وزیر خارجه و «جان برنان» مدیرسازمان اطلاعات مرکزی(سیا) با محمد بن نایف دیدار و گفت‌وگو کردند تا نشان دهند که او به طرف سعودی مورد اعتماد کاخ سفید تبدیل شده است. روابط بسیار نزدیک، گسترده و تنگاتنگ محمد بن نایف به عنوان وزیر کشور سعودی با دستگاه‌های امنیتی و اطلاعاتی آمریکا در زمینه‌های امنیتی، آمریکا را به این نتیجه رسانده است که دست همکاری به عنوان پادشاه آینده سعودی به او بدهد. اما در هر حال باید منتظر اقدامات بعدی شاهزاده‌های سعودی بود و اینکه دسته‌بندی‌های قدرت اوضاع را چگونه رقم خواهد زد.

**برخی منابع مورد استفاده: فارس، ایران، باشگاه خبرنگاران**

بیشترین زیان را کشور عمان خواهد دید، کشوری که مستقل از کشورهای عربی، روابط مطلوبی با ایران دارد. فشار کاهش قیمت نفت به سایر اعضای شورای همکاری نیز در جهت تقویت موضع پدرسالارانه سعودی نتیجه خواهد داد.

۴- در کنار ایجاد ضرر برای روسیه و ایران که اثرات رویکرد افزایش تولید عربستان است، هدف دیگر عربستان اعمال قدرت بر سایر اعضای اوپک است. اکثر کشورهای صادر کننده نفت اقتصادی متکی بر درآمدهای نفتی دارند و طبیعتاً با کاهش قیمت نفت و کاهش درآمدهای ارزی، با مشکلات جدی اقتصادی دست به گریبان خواهند شد. بر اساس گزارش وزارت انرژی آمریکا، کشورهای عضو اوپک به دلیل کاهش قیمت نفت در سال آینده ۴۴ میلیارد دلار زیان خواهند کرد، به عبارتی آنها ۳۶ درصد از درآمدهای نفتی خود را در مقایسه با سال جاری از دست خواهند داد.

**پیامدها**

سیاست‌های نفتی عربستان سعودی، همچنان که به دلایل متعدد جهانی و منطقه‌ای یک رویکرد کوتاه‌مدت است، در درون سعودی نیز موجب تحمیل شدن فشارهای اقتصادی زیادی می‌شود. و همین امر نیز فشار مضاعفی بر خاندان حاکم بر این کشور ایجاد می‌کند تا در میان‌مدت سیاست فوق را رها سازند. سوالی که پیش می‌آید این است که عربستان تا کجا می‌تواند روند نزولی قیمت نفت را بدون متحمل شدن مشکلات داخلی، تحمل کند. ماه گذشته صندوق بین‌المللی پول هشدار داد که عربستان در سال ۲۰۱۵ میلادی با کسری بودجه ۱/۴ درصدی مواجه خواهد شد. اما در حال حاضر سران این کشور این پیام را می‌فرستند که برای قیمت پایین نفت آماده‌اند و حتی می‌توانند یک یا دو سال نفت ۶۰-۷۰ دلاری را تحمل کنند. اما واقعیت این است که ۹۰درصد درآمد عربستان از طریق فروش نفت تأمین می‌شود و این کشور برای داشتن یک بودجه متوازن نیاز به قیمت ۹۰ دلاری نفت دارد. لذا کاهش قیمت نفت سبب کسری بودجه عربستان شده و این کشور برای جبران کسری بایستی از ۷۵۰ میلیارد دلار ذخیره انرژی خود برداشت کند. همچنین گفته می‌شود که کاهش قیمت نفت در هفته‌های اخیر باعث شده است که کشورهای عربی حاشیه خلیج‌فارس سالانه ۳۵۰ میلیارد دلار ضرر کنند و بورس‌های عربی نیز با سقوط ارزش سهام مواجه شوند. حتی روند ریاضت اقتصادی کشورهای عربی حوزه خلیج‌فارس آغاز شده است. به عنوان مثال، دبی به دنبال افزایش قیمت برق بوده و کویت نیز به فکر کاهش یارانه سوخت و دیگران به دنبال اعمال مالیات‌های گسترده‌تر هستند. موسسات مالی جهانی گزارش داده‌اند که؛ کشورهای عمان و بحرین بیشترین تاثیر را از کاهش قیمت نفت خواهند دید. اما شاید بیشترین تبعات پدیده کاهش قیمت نفت را ایران، در حوزه اقتصاد سیاسی و شکل‌گیری جنبش‌های اعتراضی در کشورهای عربی جست‌وجو نمود، امری که از قضا خاندان‌های حاکم در این کشورها بیشترین حساسیت را در این مورد از خود نشان می‌دهند. به عنوان مثال گفته می‌شود که کشورهای عربی خلیج‌فارس در خلال سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۴، میزان ۵۴۷ میلیارد دلار برای جلوگیری از شورش‌های اجتماعی و فوران خواست‌های اقتصادی و سیاسی مردم هزینه نموده‌اند، کشورهای نفت‌خیز عربی تا حد زیادی مجبور بوده‌اند مانند دیگر کشورها به منظور هنگام شدن با فرایند جهانی‌سازی سیاست‌های تعدیل اقتصادی را دنبال کنند.

منبع: تبیین